

علیه سرمایه

تریبون کارگران ضد سرمایه داری
شماره چهل و چهارم / آذر هزار و چهارصد

جنبش کارگری ایران در دوماه مهر و آبان سال ۱۴۰۰

اعتصاب در تعمیرات نیروگاهی

کارگران، سازشکاری و فرار از مبارزه متحد طبقاتی

مراکز کاری که کشتارگاه کارگران هستند

کارگران ایتالیا، شدت استثمار سرمایه و طغیان فقر

نئولیبرالیسم چه صیغه ای است؟!

جنبش کارگری ایران

در دوماه مهر و آبان سال ۱۴۰۰

ابراهیم پاینده / آذر ۱۴۰۰

های بعد وضع ارتباطات مبارزات کارگری با وجود این که کارخانه ها و دیگر مراکز کار از وجود نهادهای منفور و متعفن پلیسی مانند «شوراهای اسلامی»، «انجمن های اسلامی کار»، «خانه کارگر» پر بود. فضای مؤسسات خصوصی، دولتی و همه مراکز کار سرمایه، مجال هر تنفس اعتراضی را از کارگران سلب می نمود، اما کارگران کفش ملی، خودروسازی ها، با خواست مزد بیشتر، علیه بیکار کردن همکاران دست به اعتصاب می زنند، چرخ تولید را متوقف می نمایند و در بسیاری موارد به برخی خواسته های خود دست می یابند. بهترین نمونه هماهنگی مبارزه طبقاتی کارگران کوره پزخانه ها در این دوره است. کوره پزخانه ها جدا از هم هستند و در پاره ای موارد حتی در مناطق دور از هم، در نواحی مختلف یک شهر قرار دارند. معمولاً متعلق به سرمایه داران مختلف می باشند. کارگران آنها علی العموم ساده اند و در قیاس با همزنجیران خویش در مراکز بزرگ صنعتی تحصیلات نازل تر و تخصص کمتری دارند. فشار کارشان سهمگین تر، شدت استثمار آنها افزون تر و شرایط کارشان به گونه چشمگیری شاق تر است. با همه اینها تاریخ حاکی است که این کارگران در پهنه ضدیت خود پو با سرمایه، نه تنها عقب تر از سایر همزنجیران نیستند

دور ایران، چنین اعتصابات تنها در صنایع نفت و نساجی انجام شده بود. اما وسعت و گستردگی اعتصابات هیچ گاه بدین گونه نبود که در یک زمان اعتصاب شامل بخش عظیمی از کارگران و کارمندان در سراسر کشور شود. در جریان اعتصابات کارگری در مهرماه سال ۱۳۵۷، در برخی روزها تا یکصد هزار نفر و بیشتر به طور هم زمان در سراسر کشور در حال اعتصاب بودند. سطح بالای تشکل اعتصابی و هماهنگی در طرح خواست ها اعم از افزایش دستمزد، خواست های عمومی کارگران تا سیاسی از ویژگی های عمده این اعتصابات بود. برای نمونه، کارگران و کارمندان راه آهن به طور هم زمان اعتصاب را شروع کردند. اعتصاب کارکنان ۴۰ شرکت وابسته به گروه صنعتی بهشهر، که در نقاط مختلف کشور پراکنده بودند، از روز واحدی شروع شد. هفت هزار نفر کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون اعتصاب خود را هم زمان آغاز کردند و تادستیابی به خواسته هایشان، ۳۳ روز در حال اعتصاب بودند. اگر این کارگران و خروشان از هیچ بنمایه ضد سرمایه داری بر خور دار نبود اما حداقل با هم ارتباطاتی داشتند که بر بستر آن و حاصل آن برنامه ریزی اعتصابات و اعتراضات کسترده ای بود که لاقلاً بخشا به ثمر می نشست. در دهه

جنبش کارگری ایران در دوماه مهر و آبان امسال با ۲۷۱ اعتراض و اعتصاب در مقایسه با دوماه سال پیش با ۳۲۷ حرکت کارگری علیه سرمایه، کمی افت کرده است. چند سال است ما این ارقام را گزارش می دهیم، گاهی رشد اعتراضات کارگری به آن چنان ارقامی صعود می کند که انتظار تغییری کیفی و تحولی به مدارج رادیکال تر مبارزه طبقاتی، دست یازی به ارتباطات فرا کارخانه ای و خارج از محدوده چند کارخانه و محل کار دور از انتظار نیست اما تا کنون چنین تحولی علیرغم همه افزایش های کمی صورت نگرفته است. کارگران در مقطع مبارزه طبقاتی حول سال ۵۷ دست به اعتصابات وسیع و گسترده اعم از کارکنان دولت که روند روتین دولت سرمایه را به چالش می کشاندند، کارگران مخابرات سیستم ارتباطی را فلج می کردند، کارکنان بانکها که با اعتصاب خود سیستم مالی و پولی دولت سرمایه و چرخه سرمایه را متوقف و فلج می کردند، کارگران رشته ها و حوزه های مختلف تولیدی یا خدمات، و حتی کارگران واحدهای رشته های مختلف در یک شهر یا در سراسر کشور، اعتصابات وسیع و گسترده ای را برگزار می کردند. درجه وسعت و گستردگی اعتصابات پدیده ای نبود. در اعتصابات کارگری گذشته

که علی العموم قاطع تر، پرخروش تر و استوارترند. اعتصاب بیش از ۱۰ هزار کارگر در ۱۸۰ کوره پزخانه پیرامون شهر همدان در خردادماه سال ۱۳۶۹ نیز یکی از این خیزش ها و کارزارها بود. چگونه است که مبارزات کارگران چند دهه گذشته چنین منسجم، با ارتباطات تنگاتنگ با ابعاد کارگری چند هزار، سرمایه داران و دولت سرمایه را به لرزه می اندازند و اکنون با وجود افزایش عددی توده های کارگر همه جا متفرق، گسسته، فاقد استخوان بندی، بدون هیچ دورنما، زبونه، مقهور و ضعیف امروز را به فردا می رسانند، بجای

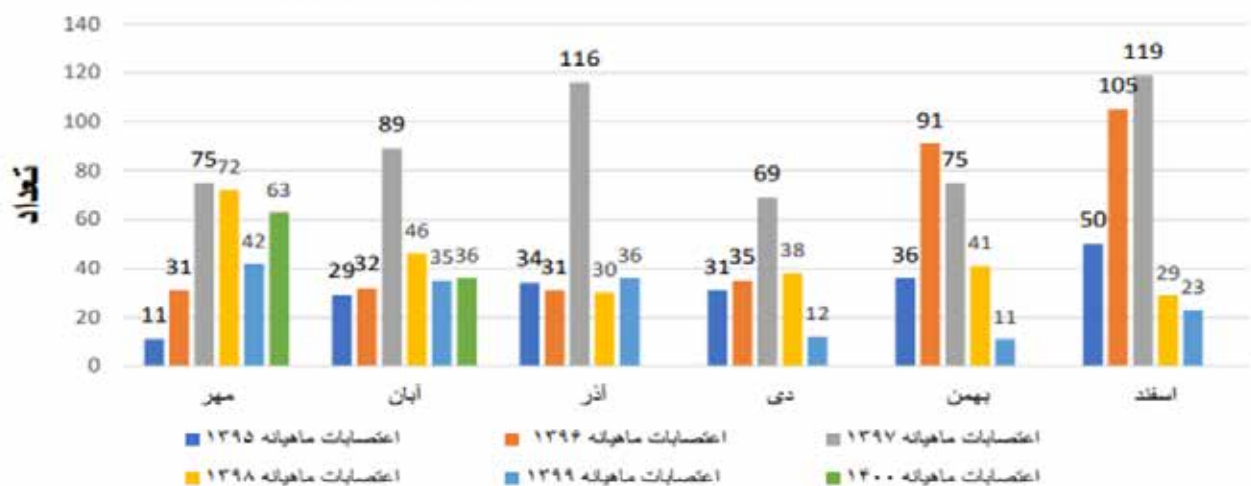
این که سراغ هم زنجیران خود روند، به درگاه نهاد های سرمایه دخیل می بندند و از مدیران طلب کمک می کنند!! سرمایه در سراسر جهان درمانده و عاجز از حل معضلات خود آفرین و چالش های خود و هر دولت سرمایه ای بفرار چاره اندیشی در چار دیواری خود است. گیج و مبهوت بدور خود می پیچند و علیرغم انبوه حوزه های علمی، اندیشکده های چاره اندیشی بسان هیولایی زخم خورده فریاد مرگ سر می دهند. اگر ما قرار است چاره ای برای سرنوشت خود در این وانفسا کنیم می بایست مبارزه مان تجلی قدرت تعیین

کننده، اثرگذار و حادثه آفرین مان باشد. باید طبقه سرمایه دار و دولتتش را تسلیم خواست های ما کند. برای این کار باید از این سردرگمی، کم بها دادن و ناچیز شمردن نیروی طبقاتی خود برون آئیم. سراسری، شورائی و ضد سرمایه داری متشکل گردیم. ما همین حالا در سراسر ایران در حال جدال هستیم بیائید به این پراکندگی پایان دهیم و همچون یک طبقه به همانگونه که کوه ساران سرمایه می آفرینیم سرنوشت خود و فرزندانمان را با شوراها ضد سرمایه ای و افق لغو کار مزدی بدست گیریم.

مبارزه طبقاتی کارگری در ایران در مهر و آبان ۱۴۰۰ در مقایسه با سال گذشته همین دوره



تعداد اعتصابات ماهیانه نیمه دوم هر سال از سال ۹۵



اعتصاب در تعمیرات نیروگاهی

پرویز همراه / آبان ۱۴۰۰

شرکت تعمیرات نیروگاهی ایران در جاده ملارد کرج واقع شده و در حوزه تعمیرات سنگین نیروگاهی فعال می باشد. روز چهارشنبه نوزدهم آبان ماه کارگران کارگاه تعمیر ترانسفورماتور این شرکت در اعتراض به سطح دستمزد ها یک روز کامل دست از کار کشیدند. بدلیل بحران شدیدی که حوزه صنعت برق با آن روبروست و فرسودگی سیستم تولید و انتقال برق، فشار کاری بر کارگران این شرکت به منظور تعمیر و بازسازی بخش های مختلف نیروگاه ها بسیار شدید تر از گذشته شده و اضافه کاری در این شرکت برای بخش های زیادی از کارگران اجباری شده است. ماه هاست که کارگران این شرکت به اشکال مختلف اعتراض خود را نسبت به شرایط کاری و بخصوص سطح نازل دستمزد ها به کارفرما اعلام کرده اند تا اینکه در روز چهارشنبه کارگران کارگاه تعمیرات ترانس با اعتصاب یک روزه، کارگاه محل کار خود را تعطیل کردند. کارگران خواهان آن شدند که:

- افزایش ۲۵٪ دستمزد ها که مدیریت در ابتدای سال جاری پذیرفته، در اسرع وقت اعمال گردد.

- نرخ دستمزد برای اضافه کاری با توجه به سختی و شدت آن می بایست خارج از جدول پرداخت معمول محاسبه و پرداخت گردد.

- سایر امکانات رفاهی در سال جاری نظیر هزینه سفر تابستانی که به بهانه گسترش بیماری کرونا قطع شده، به کارگران پرداخت گردد.

مدیریت و حراست شرکت از ترس اینکه اعتصاب و تعطیلی چرخه کار به سایر کارگاه ها نکشد بلافاصله با کارگران وارد گفتگو شدند و با وعده پیگیری موضوع، کارگران را مجاب کردند روز بعد به سر کار خود بازگردند. ماه گذشته بخشی از

کارگران یکی از شرکت های همجوار تعمیرات نیروگاهی به نام قطعات توربین شهریار نیز در اعتراض به عدم پرداخت به موقع دستمزد، دو روز اعتصاب کردند.

فقر و فلاکت روزافزون ناشی از استعمار سیستم سرمایه داری که با افسار گسیختگی تورم موجود چندین برابر شده، ادامه زندگی برای ما کارگران را در جهنم سرمایه داری ایران ناممکن گردانده است. هر روز شاهد اعتراض و اعتصاب هم زنجیران خود در سراسر مراکز تولید و کار کشور هستیم. روزی نیست که خبری از اعتراض، اعتصاب و تجمع از نقطه نقطه این کشور به گوش نرسد. حاصل تکنونی این اعتراضات که در بسیاری از موارد با بگیر و ببند و اخراج و شکنجه کارگران از سوی حاکمیت واز سوی دیگر با دنیایی فداکاری، شجاعت، از خودگذشتگی کارگران توأم بوده، عملا و در زمین زندگی ما کارگران تقریبا هیچ و یا بسیار اندک بوده است. تمام قرائن نشان دهنده این است که بحران سیستم سرمایه داری در ایران بیشتر و عمیق تر خواهد شد و نظام اسلامی سرمایه، تمام بار این بحران را بر دوش ما کارگران آوار خواهد کرد. اعتراضات و اعتصابات پراکنده و گسسته از هم، ما را به نتیجه نخواهند رساند و بسا در ادامه موجب فرسودگی و سرخوردگی ما کارگران گردد. تنها و تنها راه ما برای توقف و حتی کاهش فشار این فلاکت روزافزون به هر میزان، اتحاد و همبستگی با سایر بخش های کارگری است. دست یاری و اتحاد بسوی سایر کارگران دراز کنیم و راه نجات خود را از این جهنم موجود در مبارزه سراسری مزد بگیران اعم از کارگر صنعتی، معلم، دانشجو، بازنشسته، خانه دار و ... علیه نظام بردگی مزدی ببینیم.

پیکار جاری خود را لحظه ای و حلقه ای از یک جنگ سراسری برای نابودی نظام سرمایه داری کنیم.



کارگران، سازشکاری و فرار از مبارزه متحد طبقاتی

(آنچه در ایران خودرو تبریز رخ داد)

کارگران ضد سرمایه داری / مهر ۱۴۰۰

تا زمانی که دستمزد و پائین و بالا بودن مزد، شالوده زندگی و مرکز پمپاژ شعور انسانهاست، انسان زیستن و انسانی اندیشیدن امری خلاف جریان و نیازمند رویکردی سرمایه ستیز، رادیکال، زمینی، شرافتمندانه و جنبشی است. کاری که کارگران ایران خودرو تبریز انجام ندادند. خیل کثیر توده های کارگر دنیا و ایران هم شوربختانه و ذلت آمیز تا لحظه حاضر مترصد انجام آن نشده و نیستند. خودروسازان کارگر در تبریز خواستار افزایشی دو میلیون تومانی در مزدهای روز خود شدند. در همان فاصله زمانی بیش از ۴۰۰۰ کارگر ایران خودرو خراسان هم اعلام اعتصاب کردند. آنان فریاد سر دادند که از روزانه طولانی کار، ساعت ها اضافه کاری ممتد فرساینده و مرگ آور، شرایط کشنده و جنایت آمیز کار، از گرانی های انفجار آمیز بهای مایحتاج اولیه معیشتی، حقارت رعب انگیز دستمزدها و کوه نکبت و بدبختی که بر سرشان آوار است به ستوه آمده اند. حاضر به این همه اضافه کاری مزید بر ساعت های طولانی کار بدون هیچ مزد (کار اضافی - کار پرداخت نشده ای که چشمه جوشان تولید همه سرمایه ها و سودها است) نیستند. آنها گفتند که افزایش مؤثر مزدها همراه با حذف کامل اضافه کاری ها را می خواهند. صدای کارگران ایران خودرو خراسان که طنین درد مشترک دهها میلیون کارگر اهل جهنم سرمایه داری ایران بود، بدون احتیاج به «آزادی بیان و مطبوعات» دروغین بورژوازی از ورای تارهای ارتباطی همیشه، همه جا فعال طبقاتی، معیشتی با فریاد کارگران ایران خودرو تهران به هم آمیخت. در خروش اعتراض هزاران کارگر آذربایجانی نیرومند شد، از صدای اعتراض توده کارگر شاغل مپنا و تعمیرات نیروگاهی پرتنین تر گردید، همه اینها می رفتند تا پیام زیبایی امید برای کارگران پیمانی نفت و اعتصاب پیوسته یا گسسته چندین ماهه آنها در ۱۱۰ مرکز کار شوند. این رخدادها اتفاق افتاد یا راه وقوع می جست و می رفت تا نمایش زمینی و واقعی قدرت متحد پیکار صدهزاران کارگر

عاصی گردد که ناگهان «سیل فنا نقش امل باطل کرد» چند هزار کارگر ایران خودرو تبریز حکم به ختم اعتصاب دادند! آنها مثل همیشه سرنوشت مبارزات طبقه خود را به «ثمن بخش» فروختند. اندکی افزایش گرفتند، با صاحبان سرمایه بیعت کردند و از همراهی و همسنگری با همزنجیران اعلام انصراف نمودند. خیلی ساده اما بسیار زمخت گفتند که «ما گلیم خویش برون می بریم ز آب» اما آنها فقط به توده معترض طبقه خود پشت نکردند، به خود، به فرزندان خویش، به بشریت پشت نمودند. آنچه زیر نام افزایش مزد میثاق سازش با وحوش سرمایه دار نمودند، بسیار قبل از آنکه وصول شود، گرد و خاک منحل در طوفان گرانی ها شده است. با بستن خود به زنجیر کار مزدی، خود را کارگر این و آن سرمایه دار دیدن، کار مزدی را سرنوشت مقدر خود یافتن، راه رهایی از گرسنگی را در افزایش چند تومانی مزد جستجو کردن، برای این افزایش به ترحم و قانون و دولت سرمایه دل بستن، راهی است که پیمودن آن تا همین لحظه حاضر کره خاکی را جهنم مشتعل ۴ میلیارد کارگر نفرین شده مقیم خود کرده است. ۴ میلیارد کارگر را در شعله های گرسنگی، فلاکت، بی آبی، بی بهداشتی، آوارگی، بیکاری، سوزانده و از هستی ساقط کرده است. در چهاردیواری سرمایه داری هیچ روزنه ای به سوی زندگی باز نیست. باید خواستار تسلط کامل بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود شد. این خواست را میدان جنگ علیه سرمایه در کل قلمروهای زندگی نمود. برای این کار باید صداها را به هم آمیخت، دست ها را به هم فشرد. یک جنبش نیرومند سراسری، شورائی ضد سرمایه داری شد. راه دیگری نیست. این را فقط ما به زبان ضد سرمایه داری نمی گوئیم. سرمایه هم با یورش ها و تهاجمات طوفانی بشرستیزانه لحظه به لحظه اش به حداقل معیشتی ما همین را می گوید و فردا با تمامی زرادخانه های قهر خود همین را خواهد گفت.

مطالبه هر عده همزنجیران را موضوع اعتصاب کل طبقه خود کنیم

مراکز کاری که کشتارگاه کارگران هستند.

(کشته شدن مرضیه طاهریان در حین کار)

کارگران ضد سرمایه داری / آذر ۱۴۰۰

هفته گذشته خبر جانکاهی در سایت های اینترنتی منتشر شد. کارگر ۲۱ ساله ای به نام مرضیه طاهریان حین کار و تولید سود و سرمایه برای سرمایه داران در کارخانه نساجی کویر سمنان، دچار حادثه شد و جان سپرد. مرضیه در حال تمیز کردن ماسوره بود که حجاب اجباری وی در ماشین پیچید و منجر به کشته شدن او گردید. خبر رعب انگیز بود اما فقط قطره ناپیدائی از هفت دریای جنایات سرمایه در هر چشم به هم زدن در میلیمتر به میلیمتر جهنم گند و خون سرمایه داری را تصویر می نمود. کار طاقت فرسا، فرسودگی و هلاکت زا بودن دستگاهها، قانون فاشیستی حجاب اجباری در محل کار و سببیت های دیگر سرمایه که جریان زندگی روز کارگران است. هیچ روزی نیست که خبر وقوع این نوع کشتارها، در مراکز کار، خبر مرگ مرگ فجیع کارگری در آهن مذاب، سقوط از بالای ساختمان، کشته شدن حین کولبری در کردستان و یا سوخت بری در سیستان، خبر خود کشی کارگری زیر فشار فقر و گرسنگی یا مردن پرستاری بر اثر فشار سهمگین کار به گوشمان نرسد. شنیدن این خبرها و صداها و هزاران نوع آنها جزئی از زندگی ما شده است. گزارش ذیل را یکی از همکاران مرضیه طاهریان در کارخانه نساجی کویر سمنان مصاحبه

ای با رسانه ها تنظیم کرده است و ما قسمتی از آن را با نقل به مضمون باز نشر می کنیم. برای اینکه فتیله‌ها، نیمچه نخ‌ها و نخ‌ها در دستگاه‌های تولیدی، دچار پارگی‌های مداوم پیوندها و پایین آمدن کیفیت محصولات نشود، باید دما و رطوبت در سالن های کارخانجات نساجی در یک درجه خاص تنظیم باشد. این دما و رطوبت، حالتی شرجی و دم کرده به فضا می‌دهد. مشابه رفتن با پوشش کامل در حمام بخار. در این محیط داغ خفه کننده کارگران زن، به حکم شرع سرمایه مجبورند مانتو، شلوار، حجاب اجباری داشته باشند. البسه ای که حتی راه رفتن هوای شرجی را برای آنها بسیار سخت می‌کند. کارگران به هیچ عنوان اجازه نشستن ندارند و در صورت ارتکاب این «جرم»!!، نخست اخطار می‌گیرد و در صورت تکرار مستوجب عقوبت های سنگین می‌شود. هر کارگر هشت ساعت به صورت مستمر مشغول دویدن بین دستگاههاست. درحالتی که خطرناک ترین پوشش ها را دارد و از هیچ وسائل ایمنی برخوردار نیست. تولیدات نساجی کویر سمنان انواع نخ‌های پنبه‌ای رینگ و اپن، رنگرزی نخ به روش بوبین، رنگ کنی و تولید پارچه جین، پاکویی و انواع دیگر پارچه‌های پنبه‌ای سبک و سنگین

است. در این شرکت حدود هزار و سیصد کارگر در چهار شیفت کاری هشت ساعته استثمار می‌شوند. دستگاههایی که مرضیه با آنها کار می‌کرد نه تنها قدیمی و فرسوده بلکه عیب فنی مرگزای محرز داشته‌اند. نقص فنی دستگاه‌ها باعث می‌شد مرضیه به صورت پیوسته بین آنها در حال دویدن باشد. ۱۰ دقیقه آخر هر شیفت، فشار کار به بالاترین حد می‌رسد. دستگاهها باید سالم و تمیز به اپراتور شیفت بعد داده شوند. مرضیه طاهریان درحال مایع دادن به ماسوره واحد غیرفعال ۸۲۰ بوده که حجاب و موهای سرش بین سیلندر گیر کرد و در دم جان می‌دهد. اگر قسمت ایمرجنسی دستگاه سالم بود، چنین جنایتی رخ نمی‌داد. کارگران نساجی کویر سمنان نه تنها حداقل تجهیزات ایمنی از کارفرما دریافت نمی‌کنند که حتی به هوای سالم برای تنفس هم دسترسی ندارند. سر و صدای موحش بین دستگاهها، پرز و الیاف ریز متراکم و انبوه در هوای سالن که وارد ریه کارگران می‌شود، هشت ساعت کار مستمر شاق، نبود هیچ تجهیزات ایمنی، شب کاری هول انگیز، حجاب اجباری به جای کلاه ایمنی، اضافه کارهای طولانی اجباری، همه اینها با هم کارخانه را به کشتارگاه تبدیل کرده است.

کارگران ایتالیا،

شدت استثمار سرمایه و طغیان فقر

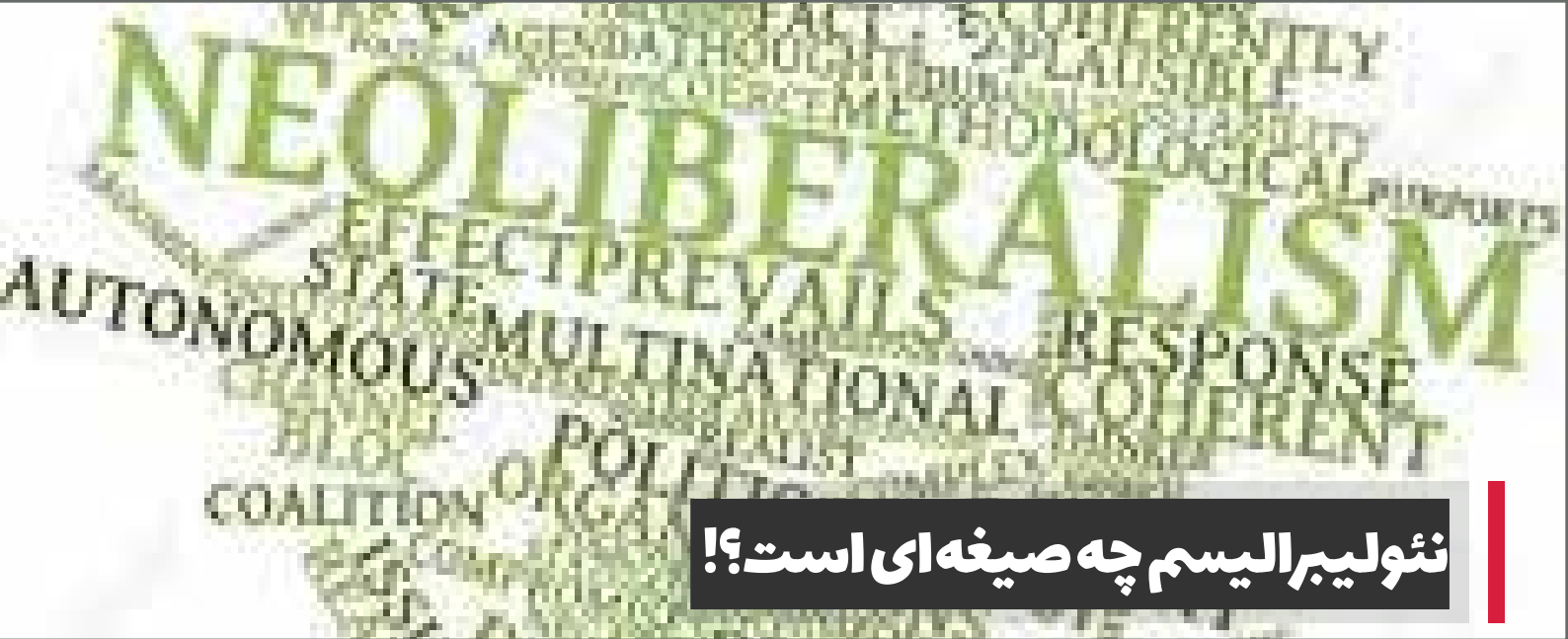
کارگران ضد سرمایه داری / آذر ۱۴۰۰

طولانی به طور کاملاً رایگان برای سرمایه داران کار کرده و اضافه ارزش تولید می نمایند. اگر همه این داده های را کنار هم چینیم شاید جمعیت واقعی کارگرانی که در قبال تولید ۲۰ تریلیون دلار سرمایه و سود بالا، دستمزد می گیرند از ۱۵ میلیون نفر تجاوز نکند. متوسط مزد واقعی سالانه کارگران، در این دوره حدود ۱۶۰۰ دلار بوده است. با یک محاسبه ساده سرانگشتی مشاهده می کنیم که ۱۵ میلیون کارگر در همین ایتالیای بحران زده دارای رشد منفی اقتصادی، ۶ میلیون گرسنه، جمعیت کثیر بی خانمان، خیل کارگران درس خوانده، خیابان خواب و لشکر عظیم بیکاران مأیوس از یافتن کار، آری در همین جا، ۱۵ میلیون کارگر هر سال ۲ تریلیون تومان اضافه ارزش تسلیم صاحبان سرمایه کرده اند، در حالی که مجموع مزد دریافتی کل آنان از ۲۵۰ میلیارد دلار کمتر بوده است. اولی را بر دومی تقسیم کنیم شاهد یک نرخ اضافه ارزش بالاتر از ۸۰۰ درصد می باشیم. فراموش نکنیم که در این محاسبه تخمینی، ما نه کارگران مولد بلکه کل کارگران شاغل در همه حوزه ها اعم از مولد یا غیرمولد را منظور داشته ایم. گفتیم که بیان این ارقام برای اقتصاددانان بورژوازی سقوط به دره افلاس تئوریهها و نظرمداری ها است. سؤال پیش روی آنان، پیش روی کل مدافعان، پاسداران، دولت‌مردان این نظام آنست که طبقه کارگر ایتالیا در این ۱۰ سال با تحمل کوبنده ترین و مرگزاترین فشار استثمار سرمایه داری، ۲۰ تریلیون اضافه ارزش تولید کرده است. ۲۰ تریلیون سرمایه بر کوه عظیم سرمایه ها افزوده است و حاصل مستقیم این سرمایه آفرینی ها و سرمایه افزائی های کهکشانی، ۶ میلیون جمعیت گرسنه، ۱۰ درصد بیکاری آشکار،

رسانه های بورژوازی از موقعیت وخیم تر اقتصاد ایتالیا در قیاس با برخی کشورهای دیگر اروپای غربی می گویند. رکود اقتصادی، «لزوم اصلاحات ساختاری»!! بی ثباتی سیاسی، رشد منفی تولید سالانه یا رشد مثبت کاملاً حلزونی، گرانی انفجارآمیز مایحتاج معیشتی، «دومین بدهکار منطقه یورو و پنجمین بدهکار کل دنیا در سال ۲۰۱۳» از جمله داده ها یا الفاظی هستند که اقتصاددانان برای توصیف این وضعیت به کار می برند و برای تغییر آن نسخه می پیچند!! صاحبان نظر و تحلیل، این فاکتورها را لیست می کنند، فقط یک نکته «تاجیز»!! را از قلم می اندازند. این نکته که در همین کشور در طول ۱۰ سال اخیر زائد بر ۲۰ تریلیون دلار ارزش اضافی توسط طبقه کارگر تولید شده است. علمای صاحب نظر اقتصاد سیاسی، از راست تا چپ این داده ناقابل را شایسته گفتن نمی دانند، نه فقط آنها، که نظریه پردازان دارای بالاترین مدارج اجتهاد «مارکسیستی»!! «نگری» ها هم به زبان آوردن این اقلام را دون شأن نظرپردازی و مایه سقوط منزلت دانشگاهی خود می بینند. ذکر این داده برای اولی ها متضمن تحمل زلزله در شیرازه کل تئوریهها، تحلیلها و دکترین پاسدار بردگی مزدی است. مطابق گزارش ها نیروی کار شاغل ایتالیا حدود ۲۰ میلیون نفر است. از این عده ظاهراً ۱۴ میلیون کار تمام وقت دارند. مابقی از یک تا چند ساعت در ماه کار می کنند و سایر اوقات را در جستجوی کار می گذرانند. از میان شاغلان تمام وقت جمعیت چشمگیری بیکاران پنهانند، افرادی که در چهارچوب برنامه ریزیهای دولتی از محل مالیاتهای پرداختی طبقه کارگر، از کار پرداخت شده کارگران، مستمری محققی دریافت می کنند و در قبال آن با روزانه های کار

و دنیا است که شکست خورده در قمار شنیع آویختگی به رفرمیسم منحنی اتحادیه‌ای، دخیل بندی ارتجاعی به دولت و نهادهای نظم سرمایه، انحلال در مدنیت و پارلمانتاریسم سرمایه داری، فرسوده، تباه، زمینگیر و مستأصل، به دور خود می پیچد، طبقه ای که یک روز شبیح کارزار رهائی آفرین کمونیستی و ضد بردگی مزدی او بر ارکان هستی سرمایه و سرمایه داران زلزله می انداخت امروز دلیل و سرگردان زره جنگ رهائی از تن کنده، لباس «حرام» مناسک حج سرمایه پوشیده، مسخ، منجمد و شعور باخته برای ابتدائی ترین حاجات دنیوی خویش در باره خدای سرمایه «سعی میان صفا و مروه» به جا می آرد!! این طبقه است که باید به خود، به شعور رادیکال طبقاتی خود، به سنگر جنگ ضد سرمایه داری خویش باز گردد. باید طومار ابدی پنداشتن سرمایه داری و ابدی دیدن بردگی مزدی خود را برای همیشه در هم پیچد. به جای حضور لرزان استیصال آمیز در اعتصابات محقر محصور در کارخانه ها اعلام موجودیت طبقاتی کند. فریاد طبقه کارگر بودن سر دهد، به جای مطالبه سنار مزد، خواستار تسلط کامل بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود شود، به جای اتحاد مرگ و دفن دستجمعی در گورستان اتحادیه ها، جنبش شورائی سراسری ضد سرمایه داری بر پا دارد، به جای جنبش بیکاران مایوس از کار فریاد اعتراض علیه اساس کار مزدی بر سپهر هستی سرمایه کوبد. به جای «جنبش زنان»!! داغدار نابرابری شمار دولتمردان زن و مرد سرمایه، قدرت سازمان یافته شورائی آماده استقرار جامعه رها شده از استثمار، طبقات و دولت گردد. کارگران ایتالیا، اروپا و دنیا اگر می خواهند زنده مانند و زندگی کنند هیچ راه دیگری پیش روی ندارند، همه راههای دیگر از جمله کل راههای مهندسی شده احزاب چپ نما، کمونیسم پوش و کارگراستا قطعا به گورستان است.

بیش از این میزان بیکاری پنهان، ۳۰ درصد بیکاری جوانان، بدهی دولتی ۱۶۲ درصد تولید ناخالص داخلی، انبوه بی خانمانان، چندین میلیون بیکار مایوس از یافتن کار و خیابان خواب و فاقد هر نوع آدرس پستی، سلاخی لحظه به لحظه دستمزدهای واقعی، برچیدن بیمارستان ها، بستن مدرسه ها، از بین بردن مراکز نگهداری پیران و معلولان و زنجیره طولانی فاجعه های دیگر بوده است. سؤال این است که با این وضع در سطره این نظام خون و گرسنگی و دهشت، کدامین راه زندگی بر روی ۴۰ میلیون نفوس کارگری نفرین شده دوزخ نشین باز است؟ قرار است این ۴۰ میلیون در چهاردیوار بقای این کهنه رباط فقر و گرسنگی و بی خانمانی کدامین کوه تولیدات نوین، کدامین فاز جدید سرمایه آفرینی را دستور کار کنند تا شانس زنده ماندن، افتخار استعمار شدن و سعادت در ذلت غلطیدن را داشته باشند؟! بدهی دولتی اصطلاح بسیار آشنائی است. اسم رمزی برای اقلام کهکشانی سرمایه هائی که دولت سرمایه داری به طور سیستماتیک و مستمر به طور کاملا رایگان به حساب طبقه سرمایه دار واریز می کند تا معادل آن را از طریق تعرض توحش آمیز به خورد و خوراک، پوشاک، سرپناه، آموزش، بهداشت، دارو و درمان یا سایر مایحتاج اولیه زیستی توده کارگر جبران نماید، این بدهی در سال ۲۰۰۰ به مرز ۱۰۹ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است و امروز با گذشت دو دهه از آن تاریخ مرز ۱۶۲٪ را پشت سر نهاده است. دولت سرمایه برای سرشکن سازی بدهی ۱۰۹ درصدی مذکور بر معیشت کارگران، ۶ میلیون نفوس توده کارگر را به ورطه گرسنگی مطلق انداخته است. سؤال این است که برای سرریز این بدهی ۱۶۰ درصدی به سفره بی نان آنان، چند ده میلیون کارگر را از هستی ساقط خواهد ساخت؟ پاسخ بورژوازی و دولتش بسیار شفاف است. این طبقه کارگر ایتالیا، اروپا



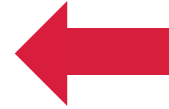
نئولیبرالیسم چه صیغه‌ای است؟!

ابراهیم زنون / آبان ۱۴۰۰



صدها حزب و دار و دسته نژادپرست و زن‌ستیز و جنایتکار دیگر عامل و مجری آن شده‌اند. اینجاست که بورژوازی "چپ" دوباره برای پاسداری از حرمت و تقدس سرمایه پا به میدان گذاشته است. اینان عوامفریبانه جار می‌زنند که سرمایه‌داری اساساً دوستدار تولید و صنعت است، مزد کارگران را به موقع پرداخت می‌کند، قوانین را رعایت می‌نماید، در زندگی خصوصی دخالت نمی‌کند، مدافع آزادی احزاب، عقیده و دین است، به حقوق زنان احترام می‌گذارد اما نئولیبرالیسم رویکردی است متضاد با این سرشت متمدنانه و ترقی‌خواهانه!! که توسط جریان‌ات و گروه‌های راست و فاشیست راه افتاده است. حالا که اردوگاه سرمایه‌داری دولتی فرو ریخته و بازار "ضد امپریالیسم" کساد است، ضدیت با نئولیبرالیسم نقش منجی سرمایه‌داری را به عهده گرفته است. آنچه جنبش‌هایی مانند گلوبالیزاسیون، وال استریت، هواداران حفظ محیط زیست می‌گویند، چرخ خوردن در مدار همین حرف‌هاست. تا چندی پیش در ایران علت همه بدبختی‌ها را "سرمایه‌داری وابسته" می‌دانستند الان هم اعلام می‌کنند که علت همه گرفتاری و مصیبت‌ها این است که اقتصاد تحت مدیریت جمهوری اسلامی نئولیبرالیستی است، سرمایه‌داری واقعی نیست!! گمراهه بافی‌هایی که متأسفانه از زبان کارگران هم شنیده می‌شود.

چند دهه است که واژه نئولیبرالیسم در مباحث سیاسی کاربرد پیدا کرده و بخصوص ورد زبان کارگران تحصیلکرده شده است، مقوله‌ای که ابداع و دستپخت بورژوازی "چپ" جهانی است. بعد از اینکه بورژوازی "چپ" اروپا در اواخر قرن نوزدهم موفق شد مبارزه کارگران را از نابودی سرمایه‌داری به اصلاح سرمایه‌داری منحرف سازد، این عوامفریبی را هم ساز کرد که "سرمایه به ذات خود ندارد عیبی"، در آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی نیز "امپریالیسم" مسبب همه فجایع و تیره‌روزی‌ها اعلام شد. با شروع دور جدید بحران جهانی نظام سرمایه‌داری از اواخر قرن ۲۰، دهه‌هاست که چرخ سرمایه‌بخوبی نمی‌چرخد. سرمایه بر سر کارگزاران و حکومت‌هایش فریاد می‌زند که پالایشی عمیق و سراسری در عملکرد و سیاست‌ها ضروری شده است، هجوم وحشیانه به سطح معیشت و حقوق اجتماعی کارگران باید در دستور قرار گیرد. کاهش خدمات دولتی، کاستن از امکانات رفاهی و درمانی، افزایش سن بازنشستگی، اخراج و بیکارسازی گسترده، تبدیل قرارداد رسمی به قرارداد موقت، گسترش وحشیانه کار کودکان، ویران‌سازی محیط زیست، اجزای این یورش وحشیانه است. این استراتژی سال‌هاست که شروع شده و فاشیسم جمهوری اسلامی، طالبان، ترامپ‌یسم و



ما عده‌ای کارگریم، تا چشم باز کرده‌ایم شاهد استثمار وحشیانه پدران و مادران، همسایگان و اهالی محله کارگرنشین خود و همه کارگران توسط سرمایه‌داران و سرمایه‌بدهایم. با گوشت و پوست و رگ و خون خود لمس نموده‌ایم که کلیه سرمایه‌ها و ثروتها توسط طبقه ما تولید میشود و دنیای فقر و فلاکت و سیه‌روزیها نیز بیش از پیش بر سر طبقه ما آوار می‌گردد. هرچه بیشتر تولید کرده‌ایم عمیق‌تر از وسائل کار و تولید و محصول کار خود جدا شده‌ایم. هرچه بر قدرت سرمایه افزوده‌ایم خود فرسوده‌تر و حقیرتر شده‌ایم. با چشم باز و با همه وجود مشاهده کرده‌ایم که دولت، ارتش، قانون، حقوق، اخلاق، فرهنگ، پلیس، دین، مسجد، منبر و همه چیز جامعه موجود متعلق به طبقه سرمایه‌دار، مدافع سرمایه‌داری، علیه ما و در خدمت ماندگاری استثمار وحشیانه ما توسط سرمایه است. همه شعور و شناخت و ذهن و فکر و عقل و احساس و ادراک ما با این واقعیتها آمیخته است. ما به حکم کارگر بودن خویش به صورت خودجوش، ضد سرمایه‌داری و علیه بردگی مزدی هستیم. فلسفه و دانش و تخصص و فضل ویژه‌ای هم لازم نیست تا ضدیت با سرمایه را به ما بیاموزد. ریشه و بنیاد سرمایه‌ستیزی خودجوش ما در اینجا، در عمق این واقعیتها است. ما گروه، حزب، سازمان، کمیته و هیچ دار و دسته‌ای نیستیم. اینگونه تشکلهای ما را که از بالای سر کارگران ساخته می‌شوند ابزار تبدیل جنبش طبقه ما برای چانه‌زنی با سرمایه‌داران و کسب قدرت دولتی می‌دانیم. این نوع تشکل‌سازی‌ها حتی اگر با جنجال‌های ضد سرمایه و چپ‌نمایانه همراه باشد، راه و رسمی غیر کارگری است. سازمانیابی طبیعی طبقه ما شورا است. در متن مبارزه شورائی باید با هم به گفتگو بنشینیم، تجارب و آگاهی خود را به هم منتقل کنیم و برای ارتقای رویکرد ضد سرمایه‌داری خودجوش طبقه خود بکوشیم. ما این نشریه را منتشر نمی‌کنیم تا مبارزات کارگران را رهبری کنیم!! نه فقط چنین ادعایی نداریم که هرگونه مرجع و مقلد و هرمیزان تبعیت جنبش کارگری یا توده کارگر از اراده رهبران را فاجعه‌ای برای این جنبش و انحراف از ریل واقعی پیکار ضد سرمایه‌داری می‌دانیم. می‌خواهیم که این نشریه تریبونی برای اثرگذاری سرمایه‌ستیزی در مبارزه روز ما کارگران باشد. اثرگذاری تعداد هرچه بیشتری از کارگران در تعیین راه و رسم و پیچ و خم مبارزه طبقاتی برای رفع و دفع تعرضات همیشگی سرمایه‌داران و رهایی نهایی از شر وجود سرمایه‌داری، هدف انتشار «علیه سرمایه» است.

website
Email
telegram
instagram

www.alayhesarmaye.com
kargarshora19@gmail.com
@ alayhesarmaye
@ alayhesarmaye